

مفهوم شناسی واژه بصیرت در قرآن کریم

ناهید شیرپور^۱، محمدمهدی کریمی نیا^۲، مجتبی انصاری مقدم^۳

^۱ طلبه سطح سه (کارشناسی ارشد) مرکز تخصصی تفسیر و علوم قرآن حضرت ولی عصر(ع) کرمانشاه، پژوهشگر

^۲ استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول)

^۳ دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، مدرس دانشگاه و پژوهشگر

چکیده

از آن جای که بصیرت انسان را از غفلت بیدار می‌کند و مانند سپری در هنگام آفات و مواقع خطرناک از انسان محافظت می‌کند در آموزه‌های دینی لازمه رشد و تعالی فرد و جامعه انسانی معرفی شده است. بصیرت هدیه آسمانی و یکی از مهمترین پیام‌های قرآن برای انسان‌هاست که در پرتو آن فرد بصیر حقایق و باطن اشیاء را دیده و بر اساس آن زمینه تشخیص حق از باطل، انتخاب راه درست از غلط برای انسان فراهم می‌گردد. بنابراین در این تحقیق سعی بر آن شده که ابتدا مفهوم شناسی بصیرت، سپس جایگاه و اهمیت بصیرت، آثار بصیرت و در ادامه موانع بصیرت مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: بصیرت، رشد و تعالی، موانع بصیرت، آموزه‌های دینی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

قرآن کریم صحیفه نورانی خداست که تمام عصرها انسان‌ها را به محکم‌ترین و استوارترین راه‌ها هدایت می‌کند، و از آنجا که همه فضایل در قرآن ریشه دارند بصیرت نمونه‌ای از آن‌هاست که در پرتو این نور و حیانی چشم دل بینا می‌گردد. انسان دارای دو جنبه می‌باشد یکی جنبه ظاهری یا ملکی که خداوند برای دیدن ظواهر بصر را به صورت بالفعل به انسان داده است و دیگری چهره باطنی و ملکوتی است که برای دیدن بواطن و شهود و ملکوت نوری را به نام بصیرت در وجود او نهاده هست. و تا آن نواز قوه به فعلیت در نیاید شهود و ملکوت میسر نخواهد شد. بصیرت شاخص معرفتی و درون دینی است که هر کس تعقل و تقوی بیشتری داشته باشد بصیرتش نیز بالاتر خواهد بود. با توجه به این که مهمترین طراحی دشمن ضربه زدن به جمهوری اسلامی و دور نگه داشتن جوانان از اسلام و انقلاب، جنگ نرم است بصیرت از عوامل مهم خنثی سازی توطئه‌های دشمنان می‌باشد بصیرت قطب نمای شناخت دشمن و فتنه‌های پیچیده و نوین دشمنان است. جامعه در سایه بصیرت و روشن دلی رو به تکامل و سعادت رفته تا شرایطی فراهم شود در مسیر حق قرار گیرد و زمینه ساز حکومت حق قرار گیرد و زمینه ساز حکومت عدل الهی باشند.

۱. مفهوم شناسی بصیرت

۱-۱. بصیرت در لغت و اصطلاح

در لغت به معنای هوشیاری، بینایی، زیرکی و یقین (معین، ۱۳۷۱، ۱ / ۵۴۶) و قوه و نیرویی که قلب به وسیله آن درک می‌کند (راغب، ۱۳۹۲، ۴۶)، یا به گفته طبرسی «بینشی است که با آن، واقعیت آن گونه که هست مشاهده می‌شود» (طبرسی، ۱۴۰۶، ۴۳۰/۱) و در اصطلاح قوه قلبی یا نیروی باطنی است که به نور قدسی روشن گردیده و از پرتو آن صاحب بصیرت حقایق و بواطن اشیاء را می‌یابد، همانگونه که شخص به وسیله صور و ظواهر اشیاء را می‌بیند. (این منظور، ۶۴/۴). بنابراین بصیرت در اصل به معنای علم است اما باید توجه داشت هر علمی بصیرت نیست و هر علمی بصیر نامیده نمی‌شود بلکه این واژه نوعی احاطه علمی و آینده نگری را بیان می‌کند.

۲. بصیرت در قرآن

در قرآن کریم، مشتقات «بصر» ۱۴۸ بار و واژه بصیرت دو بار تکرار شده است. واژه «بصر» در متون اسلامی، گاه در بینایی ظاهری و حسی، گاهی در بینایی عقلی و باطنی به کار می‌رود (همان، ص ۳۷۲). بصیرت در قرآن به سه معنا آمده است:

۲-۱. بصیرت به معنای بینایی دل

«وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ» (فاطر، ۶۴)؛ «نابینا و بینا یکسان نیستند». مقایسه خوبی و بدی‌ها، کمالات و کمبودها یکی از بهترین راه‌های آموزش و تعلیم است (قرائتی، ۴۹۱/۹). ایمان نور است که در جهان بینی، اعتقاد و عمل و تمم زندگی به انسان روشنایی و آگاهی می‌دهد. ولی کفر ظلمت و تاریکی است و در آن بینش صحیحی از عالم هستی، اعتقاد درست و عمل صالح نیست (مکارم شیرازی، ۲۲۹/۱۸).

۲-۲. بصیرت به معنای بینای چشم

یکی از بزرگترین مواهب خداست که به انسان کرامت فرموده و او را شایسته تکلیف و مسئولیت قرار داده است «

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا»؛ «انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم؛ بدین جهت ائ را شنوا و بینا قرار دادی». (طه/۱۲۵)

از آنجا که آزمایش و تکلیف بدون آگاهی ممکن نیست و انسان با گوش خود اندرزها و آزمایشهای دیگران بهره مند شود و با چشم و بینش خود جنبه‌های گوناگون او را می‌بیند و به اختیار خود راه و روشی که خواستار آن است بر می‌گزیند و در پایان آیه ابزار شناخت، چشم و گوش را بیان کرده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۳۵/۲۵).

۳-۲. بصیرت به معنای بینایی با دلیل و برهان

اگر کسی در دنیا چشم جاننش را بر روی حقایق بست در قیامت کور محشور خواهد شد. «قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا»؛ «می‌گویند: پروردگارا! برای چه مرا نابینا محشور کردی، در حالی که [در دنیا] بینا بودم؟» (طه، ۱۲۵). این آیه هشدار به رویگردانان حق می‌باشد، که اگر در دنیا با چشم بصیرت به حقایق نگاه نکنند در آخرت کور محشور می‌شوند. و در روایات رها کردن خط اهل بیت یا ترک کردن حج مصداق اعراض از یاد خدا می‌باشد. (قرائتی/۴۰۴/۵).

۳ واژه‌های معادل بصیرت قرآن در روایات

۳-۱. بصیرت معادل یقظه

یکی از واژه‌های معادل بصیرت (یقظه) است در این باره از امام علی (علیه السلام) نقل شده: «الیقظه استبصار» (ری شهری، قرآن و احادیث، ج ۱۳، ص ۳۷۵)؛ «یقظه بصیرت یافتن است».

۳-۲. بصیرت معادل نور

دانشمندان مسلمان گاه از بصیرت به نور الهی تعبیر می‌کنند که به قلب مومن می‌تابد. (پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، دایره المعارف قرآن کریم / ۵۷۸). بصیرت به معنی آگاهی و شناخت عمیق و اطمینان بخش و علمی و یقینی و به منزله نوری است که به انسان درک حقایق پشت پرده حوادث را می‌دهد به گونه ای که راه حق را از باطل تشخیص می‌دهد بصیر کسی که چشم دل او به نور الهی روشن گشته و از خواص ظاهری خود بهترین وجه استفاده نماید.

«... يَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرُ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» «... و برای شما نوری قرار داد که با آن راه روید، و شما را بیامزد و خدا آمرزنده و مهربور است» (حدید/۲۸). خداوند هر که را بخواهد به سوی نور خود هدایت کرده و چشم دلش را به نور معرفت خود روشن می‌کند که این سعادت جاودان را برای او در پی دارد (طباطبایی، ۱۲۰/۱۵).

۳-۳. فرقان

قرآن در جای دیگر از مفهوم بصیرت با تعبیر فرقان یاد کرده و کسانی را شایسته آن دانسته که تقوی الهی پیشه کنند «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...» (انفال، ۲۹)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! اگر خودتان را از مخالفت فرمان خدا حفظ کنید، برای شما جدا کننده حق از باطل قرار می‌دهد» (انفال، ۲۹). این آیه یکی از مسائل سرنوشت‌ساز انسان را بیان کرده، در راهی که انسان به سوی پیروزی‌ها می‌رود همیشه پرتگاه‌ها و بیراهه‌هایی

وجود دارد که اگر آن‌ها را به خوبی نبیند و نشناسد و پرهیز نکند چنان سقوط می‌کند که اثری از او باقی نماند. در این راه مهم‌ترین مسأله شناخت حق از باطل، شناخت نیک و بد، دوست و دشمن، شناخت مفید و زیان بخش، شناخت عوامل سعادت و بدبختی است. اگر انسان این را به خوبی بشناسد رسیدن به مقصد برای او آسان است. در بسیاری از این موارد انسان گرفتار اشتباه می‌شود و باطل را به جای حق می‌پندارد و دشمن را به جای دوست انتخاب می‌کند. در اینجا دید و درک نیرومندی لازم است نورانیت و روشن‌بینی فوق‌العاده که آیه فوق این دیده و درک را ثمرهٔ درخت تقوی می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۴۱۷). ارتباط بصیرت با عقل و حکمت با توجه به تعبیری که در قرآن برای عقل به کار رفته، عقل را دارای مراتب شعور، فقه، ذکر و فکر دانسته‌اند. و بصیرت به معنای بینش عمیق در مرحله ای بالاتر از این‌ها قرار دارد. و بصیرت عقلی است که به نور قدسی منور شده و بر برهان نیازی ندارد (سجادی، فرهنگ اصطلاحات عرفانی، ص ۱۶۹). ارتباط میان حکمت و بصیرت، حکمت معنای وسیعی دارد موهبتی الهی به شمار می‌رود و موجب زیاد شدن بصیرت و تهذیب و تمایز شر از خیر و باطل از حق می‌شود. در حقیقت می‌توان بصیرت را درجهٔ از حکمت و بالاترین مرتبهٔ آن دانست. بصیرت نوعی بکارگیری عقل در مسیر هدایت انسان و استفاده از روشن‌گری آن است. کسی که دیده بصیرت دارد نگاه‌هایش به سوی خوبی کشانده شده و از بدی‌ها دور می‌شود. دارنده بصیرت و بینش درونی پیش از آن‌که در پی عیب‌های دیگران باشد عیب‌های خود را می‌جوید و می‌بیند و از گناهان و خطاهای خود دست بر می‌دارد او خوب می‌داند که دیدهٔ کور بهتر از دل کور داشتن است. بنابراین دیده خود را از نارواها و گوش خود را از شنیده‌های باطل بسته، و دل را از گناه و هر چه غیر گناه پاک می‌کند.

۴. جایگاه بصیرت در انقلابی ماندن

در گذر تاریخ، جوامع بشری با شرایطی روبرو شدند که حق و باطل در هم آمیخته بوده و مردم دچار فتنه‌های بزرگ شده بودند، فتنه‌هایی که پیامدش انحراف مردم از مسیر حق بود. جوامع اسلامی نیز از این حادثه مصون نماندند. دشمنان اسلام با آمیختن حق و باطل و ایجاد شک و شبهه در دل‌ها در پی آن بودند که اهداف شوم خود را با دور ساختن جوامع اسلامی از مسیر کمال و به تاراج بردن فکر و فرهنگ اسلامی عملی کنند (خامنه‌ای، پرتو ولایت بصیرت نافذ) و مکتب اسلام به انسان‌ها می‌آموزد که در صحنه‌های زندگی، حمایتها، دوستی‌ها، دشمنی‌ها و موضع‌گیری‌ها بر اساس شناخت عمیق و با بصیرت عمل نمایند (ر. ک: مجله حصون، بصیرت دینی و راه‌های کسب آن). کسانی که اهل بصیرتند همواره به یاری خدا و رسول و ولی او می‌شتابند آن‌ها با هر وسیله‌ای که اقتضا می‌کند طبق شرایط مکان و زمان یاوران راستین خدا و رسول، ولی و انقلاب هستند و بدون هیچ چشم‌داشتی و تنها برای رضای خدا و قرب به او به انقلابی ماندن و تلاش برای تداوم آن ادامه می‌دهند.

اهمیت بصیرت و روشن‌بینی و درک درست از شرایط و فضای آن، این است که قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیامبر (ص) و پیروانش را داشتن بینش صحیح در رفتارها و کردارها می‌داند. خداوند به پیامبرش فرموده است «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي...»؛ «بگو این راه من است من و پیروانم، همگان را در عین بصیرت به سوی خدا می‌خوانیم...» (یوسف، ۱۰۸) روش رسالت من دعوت جامعه بشر است و بدون استثناء مردم را به توحید خالص و مکتب قرآن دعوت می‌نمایم و به آنچه دعوت می‌کنم با بصیرت و شهود هستم و این حقایق را به صورت شهود و بداهت می‌یابم و جامعه را با برهان قاطع به سوی حقایق آشکار دعوت می‌کنم (حسینی همدانی، ۱۴۶۱/۹). در این آیه دعوت با بصیرت به سوی ایمان محض و توحید خالص است و در این راه کسانی شرکت دارند که مخلص

برای خدا و عالم برای رب العالمین و دارای بصیرت و یقین باشند (موسوی همدانی، ۳۷۹/۱۱). بصیرت محور همه اعمال انسان است و عکس العمل‌های متفاوت انسان بر اساس بینش و بصیرت او شکل می‌گیرد. و ارزش و اعتبار او نوع بینش اوست. بصیرت در صورتی حاصل می‌شود که شنیدن همراه تفکر و دیدن همراه تفکر باشد. با عبرت‌ها و قواعد و سنت‌های الهی تطبیق و سنجیده شود در این شرایط به ویژه در هنگام فتنه‌ها راه از بی‌راهه شناخته می‌شود (خامنه‌ای، پرتو ولایت، بصیرت نافذ دفتر ۲۶). بصیرت قطب نمای حرکت صحیح در اوضاع اجتماعی پیچیده امروز است به گونه‌ای اگر کسی این قطب نما را نداشته و نقشه خوانی بلد نبود ممکن است ناگهان خود را در محاصره دشمن ببیند اگر بصیرت نباشد احتمال دارد انسان حتی با نیت خوب گمراه شود و در راه بد قدم بگذارد.

۵. خاستگاه‌های بصیرت

۵-۱. خاستگاه‌های درونی

نیروی باطنی و درونی که قادر بر تشخیص حق و باطل و خیر و شر می‌باشد. انسان با الهام خدایی تقوی را از فجور و کار نیک را از کار زشت تمیز می‌دهد و اگر بخواهد رستگار شود باید باطن خود را تزکیه کند و آن را با پرورشی صالح بپروراند. «و نَفْسٍ وَّ مَا سَوَّاهَا فَأَلَّهَمَّهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا» «قسم به جان آدمی و آن کس که آن را آفریده و منظم ساخته * سپس فجور و تقوا «خیر و شرش» را به او الهام کرده است» (شمس، ۷-۸). بنابراین رستگاری در سایه تهذیب است و اینکه خداوند تمام مقدمات آن را برای انسان فراهم کرده است و درک خوبی و بدی را به او الهام نموده تا با اختیار خود، راه تزکیه نفس را بییابد. فطرت انسانی خاستگاه بصیرت می‌باشد.

۵-۲. خاستگاه‌های بیرونی

۵-۲-۱. قرآن کریم

بصیرت نوعی به کارگیری عقل در مسیر هدایت انسان و استفاده از روشن‌گیری آن است قرآن با ترغیب و بینا کردن دل‌ها با نور عقل آن‌هایی را که از این نیرو استفاده نمی‌کنند کوران واقعی معرفی می‌کند «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَ لَكِن تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» «آیا آنان که در زمین سیر نکردند، تا دل‌های داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند یا گوش‌های شنوایی که با آن (ندای حق) را بشنوند؟! چرا که چشم‌های ظاهر نابینا نمی‌شوند، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود» (حج/۲۶). بنابراین اصرار در لجاجت و دشمنی با حق، انسان را مسخ می‌کند و او را به جایی می‌رساند که نه با عقل حقیقت را درک می‌کند و نه با چشم گوش. بدترین نابینایی، نابینایی دل است که با پند گرفتن بینا نمی‌شود.

«هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» «این قرآن دلیل‌های بینش‌آور برای مردم است و رهنمود و رحمتی است برای گروهی که یقین آوردند» (جاثیه/۲۰). قرآن و شریعت بینایی‌های است یعنی عین بینایی است آن هم نه یک بینایی بلکه بینایی‌ها، نه در یک بعد بلکه در همه ابعاد زندگی به انسان بینش صحیح می‌دهد. آیات روشن‌گر و شریعت بینا کننده انسان را به سوی هدایت می‌برد و هدایت مایه رحمت پروردگار است. در این آیه بصائر را برای عموم مردم ذکر می‌کند. هدایت و رحمت را مخصوص کسانی که اهل یقین هستند. هدایت فرع بر یقین و رحمت الهی نیز مولود آن است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۵۶/۲۱).

۲-۲-۵. اسلام

اسلام برای پیروانش خاستگاه بینش و بصیرت می‌شود. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى شَرَعَ الْإِسْلَامَ وَسَهَّلَ شَرَائِعَهُ لِمَنْ وَرَدَهُ، أَعَزَّ أَرْكَانَهُ لِمَنْ حَارَبَهُ، وَجَعَلَهُ عِزًّا لِمَنْ قَوْلَاهُ... وَبَصِيرَةً لِمَنْ عَزَمَ»؛ «خداوند متعال شریعت اسلام را مقرر داشته و آبخورش را برای کسی که بخواهد بدان وارد شود، آسان و هموار ساخت و ارکان آن را در برابر کسی بخواهد با آن بجنگد استوار گردانید و برای کسی که از آن پیروی کند مایه عزت قرارش داد... و برای کسی که مصمم باشد مایه بصیرت». بنابراین انسان می‌تواند با بهره‌گیری از آموزه‌های عقلی، قرآنی و اسلامی به بینش و بصیرت در مسیر زندگی برسد و راه رسیدن به رستگاری و تکامل را طی کند.

۶. آثار بصیرت

۶-۱. توحید

از جمله آثار بصیرت شناخت قدرت خدا و آفریده‌های او می‌باشد زیرا وقتی انسان به بصیرت دست یافت درک درستی از آفریده‌های الهی می‌یابد و از دام تکثرات به وحدت وجودی می‌رسد در حقیقت تفکر در آیات الهی و دقت و بصیرت موجب می‌شود تا آدمی به این نتیجه برسد که این همه کثرت جلوه‌های از یک حقیقت بی‌کران به نام خداست. «قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ؟» «...بگونه بینا و بینا مساویند؟! آیا تاریکی‌ها و نور برابرند...» (رعد/۱۶). اینکه خدا مالک و مدبر عالم است و هر خیر و نیکی از ناحیه اوست و توانایی بر دفع هر شر و بدی را دارد و وقتی قبول دارید خالق و پروردگار اوست بنابراین هر چه می‌خواهید باید از او باشد. و همانگونه که نابینا و بینا یکسان نیستند بت‌ها را نمی‌توان در کنار «الله» قرار داد. بنابراین کسی که دارای بصیرت باشد کسی را جز خداوند متعال خالق و مدبر جهان هستی نمی‌داند و اینکه غیر از خدا کسی چیزی از آفریده‌ها را خلق نکرده تا دچار اشتباه شویم.

۶-۲. عبرت آموزی

انسانها با فطرت و شخصیت متعادل با نگاهی به رخدادها و دقت در آنها به امور و حقایقی دست می‌یابند که مایه پند و عبرت می‌شود همانگونه که تاریخ مایه عبرت است هر واقعه‌ای در زندگی بشر نیز مایه پند و عبرت است آدمی با دقت در این امور می‌تواند دریابد چه کاری بهتر و چه کاری مفید و سازنده‌تر است ولی می‌تواند او را در مسیر آرامش و سعادت دنیوی و اخروی قرار دهد. اهل بصیرت به علت عبرت‌گیری از هر رخدادی هر تهدیدی را به فرصت تبدیل می‌کنند و به جای آن که تهدیدات عامل باز دارنده در مسیر شخص و جامعه باشد به یک فرصت بی‌مانند تبدیل می‌شود که توانایی و فرصت‌های وی و جامعه اثر را افزایش می‌دهد این گونه است که فتنه‌ها به آزمون‌های رشد و بالندگی تبدیل می‌شود و فرصت‌هایی را به شخص بصیر می‌دهد. (مقام معظم رهبری، بیانات در دیدار با فرماندهان بسیج سراسر کشور ۲۷/۸/۷۱).

«قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَتِي الثَّقَاتِ فَنَجَّاهُ فَنَجَّاهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ مِثْلَيْهِمْ رَأَى الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ»؛ «به چشم خود آن مومنان را دو برابر می‌دیدند و خدا، هر کس را شایسته بدانند و بخواهد، با یاریش، تأیید می‌کند قطعا در این ماجرا برای صاحبان بینش عبرتی است» (آل عمران/۱۳). عبرت نمی‌گیرند اگر تنها فزونی نفرات و امکانات می‌توانست کار گشا باشد باید در جنگ بدر ظاهر شده

باشد. چون سنت الهی تغییر ندارد اعمال یکسان نتیجه یکسان دارند انسانها بهتر است به جای آنکه خودشان اشتباهات را تجربه کرده و به نتایج تلخ برسند از سرنوست دیگران که وضع مشابهی با آنها داشتند عبرت گرفته و در تحلیل مناسب شرایط امروزشان استفاده کنند.

۳-۶. کسب منفعت

حصول منفعت برای نفس آدمی از نتایج بصیرت و ژرف نگری او می‌باشد اینکه هر رخداد و آیه‌ای برای این دسته افراد نه تنها ایمان آفرین است بلکه با روشن‌گری که ایجاد می‌کند موجب می‌شود که بهترین بهره را از یک چیز حتی فتنه و بلا ببرند و منافع خویش را افزایش دهند. «قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَ مَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ»؛ «در واقع بینش آوری از طرف پروردگارتان بر شما آمد؛ و برای هر کس با بصیرت بنگرد پس به سود خود اوست و هر کس که کور دل باشد پس به زیان اوست و من بر شما نگهبان نیستم» (انعام، ۱۰۴). مجموعه دلایلی که در زمینه خدا شناسی در قرآن بیان شده، این دلایل، حقیقت را آشکار می‌سازد و جنبه منطقی دارد آنهایی که به وسیله این دلایل چهره حقیقت را بنگرد به سود خود گام برداشته و کسب منفعت می‌نمایند. و آنها همچون نابینایان از مشاهده آن خود را محروم سازند به زیان خود عمل کرده‌اند. (مکارم شیرازی، ۳۸۹/۵)

۴-۶. ایمن ماندن از وقوع در شبهات

شناخت امام و رهبر از آثار بصیرت در جنگ و صحنه نبرد است. به تعبیر روایات آخر الزمان دوران ظهور شبهه‌ها و فتنه‌هاست در طول تاریخ مسئله اساسی و مهم در جریان مبارزه حق و باطل کمبود بصیرت و معرفت بوده است. اگر انسانی درنیابد که تنها راه سعادت پیروی از ولی خداست در فتنه‌ها و شبهه‌ها غرق می‌شود و نمی‌تواند حق را از باطل تشخیص دهد. آیه‌الله خامنه‌ای ولایت مداری را چنین تعریف می‌نماید: «همه اجزای آن به یکدیگر و به محور و مرکز جامعه اسلامی، یعنی ولی متصل باشند و از درون دارای یک ائتلاف باشند» (مظفری، ۸۵). «جوانان عزیز هر چه می‌توانید در افزایش و عمق بخشیدن به بصیرت خود تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی بصیرتی شما استفاده کنند دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل به جای حقیقت جلوه کند این است که بصیرت اولین وظیفه است که نگذاریم حق و باطل با هم مشتبه شوند (مقام معظم رهبری، بیانات، ۱۳۸۸).

۵-۶. شناخت دشمن

شناخت دشمن از طریق بصیرت نسبت به دشمن واقعی است که خدعه و نیرنگ استکبار را درک کند و بتواند راه مقابله با آن را به صورت صحیح تشخیص دهد و بر دشمنان غلبه کند. این همه تاکید روی بصیرت به این دلیل است که یکی ملتی که بصیرت دارد آگاهانه حرکت می‌کنند و قدم بر می‌دارند و همه سلاح‌های دشمن در مقابل آنها سرد می‌شود. ولایت‌پذیری و پیرو اهل بیت بودن و انس با قرآن، ما را از قرار گرفتن در مسیر فتنه باز می‌دارد و با این دو راه سعادت بشر در این قرن پر از فتنه و فساد گرچه سخت است اما میسر خواهد شد (خامنه‌ای، ۳).

۱-۵-۶. تدبیر در آموزه‌های دینی

بر اساس سخنی که شیعه و سنی به تواتر از پیامبر (صلی الله وعلیه وآله) نقل کرده اند قرآن و عترت پیامبر اکرم (صلی الله وعلیه وآله) دو منبع اصیل فهم و بصیرت دینی اند بنابراین سخن قرآن و عترت همواره در کنار یکدیگر

خواهند بود و تا هنگامی که مسلمان به قرآن و عترت در حوزه‌های گوناگون معرفت‌شناسی، ارزشی و رفتاری پایبند باشند از گمراهی در امان خواهند بود. حقیقت قرآن نزد معصومین (علیه السلام) است و آن‌ها الگوهای عملی تربیت قرآنی و آنچه در سیره و سخنان پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) آمده است می‌توان به بصیرت دینی دست یافت و از کجروی‌ها در امان بود. نخستین گام در بهره بردن از نور هدایت قرآن و باز شدن چشم بصیرت تلاوت و تدبر در آیات قرآن کریم است. خدای تعالی افزون بر تاکید مکرر بر تفکر، تعقل و اندیشه‌ورزی هدف نزول قرآن را تدبر، تذکر و پندگیری از آن معرفی می‌کند و مؤمنان را به تدبر در قرآن فرا می‌خواند. فراوان بودند کسانی که با شنیدن آیه‌ای از قرآن کریم و اندیشه در آن بصیرت یافته و دگرگون گشته‌اند. فضیل بن عیاض در آغاز راهزنی بود که همه از او وحشت داشتند شبی از دیوار مردم بالا مرفت آیه زیر را شنید (حدید، ۱۶) این آیه در جان فضیل نفوذ کرد و او را به خود آورد و بیدار ساخت، و گفت: قسم به خدا که وقت آن رسیده است و از همانجا مسیر زندگانش را عوض کرد و راه عبادت و زهد در پیش گرفت (بروسوی، ۹/ ۳۶۵).

۲-۵-۶. تفکر و تعقل

استفاده از تفکر و تعقل در زندگی باعث بدست آوردن و تقویت بصیرت می‌شود. کسانی که از رویدادهای بیشتر از قوه تعقل استفاده می‌کنند باعث می‌شود که در رویاروی با حوادث قدرت تصمیم‌گیری و انتخاب صحیحی داشته باشند. اینکه به محض شنیدن هر خبر یا مطلبی فوراً آن را نمی‌پذیرد بلکه پیرامون آن می‌اندیشد و آن را از صافی عقل و اندیشه‌اش می‌گذراند و بصیرت و بینایی می‌یابد. همانگونه که آینده‌نگری و به کارگیری خرد و فرجام‌امور باعث بصیرت و بینایی می‌شود.

۳-۵-۶. تهذیب نفس

نیروی عقل انسان برای درک برخی حقایق آماده است، ولی گاهی انواع امیال و شهوات همچون دود سیاه و غلیظی برابر دیده عقل آشکار می‌شود. پیداست که در محیط تاریک، انسان نمی‌تواند چهره حق و باطل را تشخیص دهد. اما اگر این غبار با آب تقوی الهی زوده شود این دود سیاه از میان می‌رود و دیدن چهره‌ی حق آسان است!

وقتی انسان به خدای متعاب متصل شد اعضاء و جوارح او تحت فرمان الهی بود و دل و جان خود را با یاد خدا روشن ساخت خداوند نیز او را در مشکلات و پیشامدها تنها نخواهد گذاشت و بینش و بصیرت حقیقی به او عطا خواهد کرد تا با مدد چشم بصیرت فریب رنگ و لعاب ظاهری را نخورد. بنابراین برای روشن ساختن چراغ بصیرت در وجودمان باید سدی محکم مقابل طوفان هوس کشیده شود. و تقوی همان سد نیرومند است که می‌تواند طغیان غرایز را در انسان مهار کند. حضرت علی (ع) راجع به نقش تقوی در ایجاد بصیرت می‌فرماید: همانا تقوی و پروای از خدا داروی درد قلب‌های شما، بینا کننده کوری دل‌های شما، شفا بخش بیماری‌های بدن‌های شما، اصلاح کننده تباهی سینه‌های شما، پاک کننده آلودگی جان‌های شما و روشن بخش ضعف دیدگان شماست (رضی، ۱۸۹).

نتیجه تقوی، شناخت خویشتن است که انسان را به مقام والای محبوبیت می‌رساند و این دنیا را با بصیرت کامل می‌نگرد و راهی را که باید برود با آگاهی و بینش صحیح انتخاب می‌کند.

۴-۵-۶. نفی وابستگی مادی

عاملی را برای ایجاد روشن بینی و بصیرت دوری از وابستگی به مادیات است و آن زمانی است که نور بصیرت به جای

علاقه‌های مادی در باطن و ضمیر انسان روشن گردد. وابستگی به دنیا باعث غفلت انسان می‌گردد اگر انسان بتواند خود را از این قیدها و بندها برهاند دیگر برای او مقام و شهرت، حزب و ثروت معنا نخواهد داشت زیرا انسان با بصیرت، مظاهر مادی را می‌بیند و دل نمی‌بندد.

۵-۶. بهره‌گیری از ابزار شناخت

یکی از عواملی که انسان را به بینش صحیح می‌رساند استفاده مطلوب از وسایل و ابزارهای بصیرت می‌باشد. وسایل مورد نیاز بصیرت شنیدن، نگریستن، اندیشیدن، عبرت گرفتن و قدم برداشتن در راه‌های روشن است. اینکه انسان هر چیزی را چشم و گوش بسته قبول نکند و اگر چیزی شنید یا حوادثی را دید با دیده عقل و بصیرت به آن‌ها بنگرد و از نکات آن درس عبرت و پند بگیرد.

۷. موانع بصیرت

برخی از امور و گرایش‌ها در وجود انسان مانع از بصیرت یافتن وی می‌گردد به گونه‌ای که با وجود یقین به حقایق موضوعی آن را نادیده گرفته و چشم بصیرت خود را نسبت به آن فرو می‌بندد از جمله این امور عبارتند:

۱-۷. دنیا طلبی

از جمله اموری که می‌تواند سدی محکم در برابر بصیرت ایجاد نماید دل‌بستگی به دنیا و لذت‌های آن است عنصر بصیرت مقوله هنجاری بوده و در راستای شناخت صحیح از جامعه تحقق جامعه مطلوب دینی و به دور ماندن از انحرافات و کژیهای صورت پذیرفته و تنها کسانی که در این مسیر قادر به حرکت و وصول به حقیقت اند که دل در گرو آرمان‌های دینی داشته و دنیا و زیبایی‌های آن را غایت خویش قرار نداده باشند زیرا در صورتی که دنیا هدف آن‌ها باشد مادیگرایی و دنیا مداری محور تحلیل آن‌ها می‌شود. نگاهی به تاریخ نمونه‌های بسیاری از این گروه افراد را که همچون «عمر سعدها» به خاطر دل‌بستگی به دنیا چشم بصیرت خود را کور کردند و به مبارزه با حق پرداختند به نمایش می‌گذارد. بنا براین تمام افراد کشور در هر جای که هستند باید بصیرت خود را روز به روز زیاد کنند و نباید اجازه دهند که نیازهای مادی و مسائل کوچک جلوی بصیرت‌ها را بگیرد. (سخنان رهبری، ۷۱).

۲-۷. گرفتار شدن به شهوات و لذت‌ها

هواپرستی همان عشق و علاقه افراطی به خواهشهای نفسانی و پیروی از خواسته‌های خود پرستانه‌ای است که با نیروی وسواس نفس مطرح می‌کند، نفس همان شیطان است که زمینه‌های فریب انسان را فراهم می‌سازد و در روح و ایمان وی نفوذ می‌کند. البته وقتی گفته می‌شود نفس هر نفسی یا ذات نفس نیست چون اسلام قائل به شرارت وجودی انسان و مذموم بودن نفس نیست بلکه منظور نفس اماره و سرکش است که باعث و مانع بصیرت در آدمی می‌شود (رضوی پور، ۱۳۸۹، ۱۵۵). «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَ خَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَ قَلْبِهِ وَ جَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» (جاثیه، ۲۳)؛ «آیا اطلاع یافتی از کسی که هواسش را معبود خود گرفت؟! و خدا او را از روی دانشدر گمراهی و نهاد ویر گوش و دلش مهر نهاده و بر چشمش پرده ای قرار داد؟! اوچه کسی بعد از خدا او را راهنمایی می‌کند؟! آیا غافلید و متذکر نمی‌شوید؟!». مراد از هوا پرستی نادیده گرفتن وظیفه و پیروی از غریزه است. با وجود هوا پرستی چشم حقیقت را نمی‌بیند و گوش حق را نمی‌شنود دل درک صحیحی ندارد. «الهُوَ اسَّ الْمَحْنُ»؛ «هواپرستی اساس محنت هاست. (رسولی محلاتی، ۵۸۹/۲).

هوا پرستی سبب مهر خوردن بر گوش و دل است. و نوعی شرک و با اینکه هوسها در درون است ولی باز تاب هواپرستی در اعمال انسان هویداست. اگر هواپرستی حاکم شد علم از کار آیی می‌افتد هواپرستی حتی دانشمندان را نیز منحرف می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ۵۳۳/۱۰). گناه چون غباری بر صفحه دل می‌نشیند و نمی‌گذارد حقایق بر آیینۀ دل منعکس شود. چشم دل نابینا و تشخیص حق از باطل برای انسان ناممکن می‌شود و این همان بی‌بصیرتی است. کفر ورزی و گناه باعث خاموش شدن نور الهی در قلب انسان و کم شدن چشم بصیرت وی می‌شود. تعبیرهای گوناگون در قرآن حاکی از دل بستن و هدایت ناپذیری آنهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۲۷/۲). رویگردانی از آیات الهی، سرسختی در پذیرش ایمان، عدم توجه به قرآن و موارد دیگر به عنوان موانع هدایت پذیری و روشنی چشم بصیرت سخن آمده است (دایرةالمعارف، ۱۳۹۰، ۵۸۰/۵). در حقیقت انسان در آغاز تولد فاقد علم حصولی است و خداوند هم ابزار علم حصولی را به وی می‌بخشد و هم فطرت او را با الهام از علم حضوری بهره‌مند می‌سازد انسانی که از فطرت و شعور درونی خود بهره نبرد و در مسیر شهوات و غرایز نفسانی قرار گیرد و ابزار ادارکی را که باید معارف و اسرار عالم را بشناسد با گناه آلوده شود جایی برای تابش نور هدایت بر آن نمی‌ماند (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ۲۳۱/۲).

نتیجه

بصیرت یکی از آموزه‌های مهم دینی است که مؤلفه‌های آن در قرآن و روایات تبیین شده، چون انسان از آغاز تولد بصیرت ندارد و باید به مرور زمان و با دریافت‌های خود از محیط اطرافش و با تفکر و جستجو در امور به بصیرت دست یابد.

۱. بصیرت به انسان شناخت عمیق از جهان هستی و عالم آخرت می‌دهد که موجب ارتباط کامل و جامع انسان با آنها می‌شود.

۲. بصیرت در دنیا موجب می‌شود که فرد تعادل خود را در سختی‌ها و مشکلات از دست ندهد و محزون نشود و در کامیابی‌ها و سعادت‌ها خودش را گم نکند.

۳. بصیرت عامل دشمن شناسی است یکی از مهمترین وظایف مسلمانان، شناخت دشمنان و راه‌های مقابله با مکر و حيله‌های آنان است، چرا که اگر انسان در باره دشمن شناخت لازم نداشته باشد چه بسا برای رهایی از او به دشمن دیگری پناه ببرد که در نهایت موجب سرگردانی و شکست خواهد شد، لذا برخورداری از بصیرت در تمام عرصه‌های زندگی ضروری به نظر می‌رسد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، چاپ هفتم، ۱۳۸۳ ش.
۳. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۳ ش.
۴. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه قرآن، تهران، انتشارات سروش، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ ش.
۵. پژوهشگاه فرهنگ و علوم اسلامی، دایرةالمعارف قرآن کریم، قم، چاپ سوم، ۱۳۹۰ ش.

۶. تاج الدینی، سید علی بصیرت، تهران، نیروی انتظامی بازرسی کل، ۱۳۸۹ش.
۷. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، انتشارات اسراء، چاپ سوم، ۱۳۸۹ش.
۸. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، تهران، انتشارات لطفی، چاپ اول ۱۴۰۴ق.
۹. خامنه ای، سید علی، پرتو ولایت، دفتر بیست وششم، بصیرت نافذ.
۱۰. ولایت، تهران، سازمان تبلیغات، ۱۳۷۰ش.
۱۱. رضوی پور غفار، بصیرت و جنگ نرم، شیراز، انتشارات زرینه، چاپ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۲. رضایی اصفهانی وهمکاران، محمد علی، ترجمه قرآن، قم، انتشارات دارالذکر، چاپ اول، ۱۳۸۳ش.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات جامعه مدرسین قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۴. طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار چاپ اول، ۱۳۶۲ش.
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ش.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، دانشنامه قرآن وحديث، قم، انتشارات دار الحدیث، چاپ اول، ۱۳۹۰ش.
۱۷. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات آراد، چاپ اول، ۱۳۸۶ش.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیرنمونه، تهران، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.
۱۹. ترجمه قرآن، قم، انتشارات دار القرآن الکریم، چاپ دوم، ۱۳۷۳ش.

مقالات

۲۰. شعبان سارویی، نقش بصیرت در هدایت انسانها، تهران، معاونت تربیتی و آموزشی سپاه، ۱۳۸۹ش.
۲۱. مظفری، آیت، مبانی بصیرت، حکومت اسلامی ویژه اندیشه وفقه سیاسی اسلام، قم، شماره یک، ۱۳۸۹ش.